

## تأثیر انواع نابرابری بر ناآرامی‌های اجتماعی در کشورهای خاورمیانه

ابوالفضل شاه‌آبادی<sup>۱</sup>، وحید امیدی<sup>۲</sup>، مریم جهان‌دیده<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> استاد گروه اقتصاد دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. ایمیل:

[a.shahabadi@alzahra.ac.ir](mailto:a.shahabadi@alzahra.ac.ir) شناسه ارکید: ۸۲۹۶-۹۳۱۶-۰۰۰۲-۰۰۰۰

<sup>۲</sup> استادیار گروه اقتصاد، گروه اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، ایران. ایمیل: [V.omidi@qom.ac.ir](mailto:V.omidi@qom.ac.ir).

شناسه ارکید: ۳۹۲۰-۲۰۷۴-۰۰۰۳-۰۰۰۰

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران

[maryam.jahandideh50@gmail.com](mailto:maryam.jahandideh50@gmail.com) شناسه ارکید: 0000-0003-2074-3920

### چکیده

فعالیت‌های افراد در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی نیازمند محیطی آرام و باثبات است. ناآرامی‌های اجتماعی بیانگر خطرات و تهدیداتی هستند که تعادل، امنیت و سلامت اجتماعی را با تهدیدات جدی مواجه می‌سازد. افزایش ناآرامی‌های اجتماعی تبعات فراوانی در بعد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دارد. در بعد اقتصادی افزایش این شاخص منجر به افزایش نااطمینانی در بین فعالان اقتصادی شده که به تبع آن کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی امر دور از ذهنی نخواهد بود. با توجه به این موضوع بررسی عواملی که بر این پدیده اثرگذار هستند در کنترل آن نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت. افزایش نابرابری در ابعاد مختلف موجب افزایش تنش بین بخش‌های مختلف جامعه از سویی و نیز بین دولت و ملت از سوی دیگر می‌شود. اما اینکه کدام نوع نابرابری اثر بیشتری بر ناآرامی اجتماعی دارد موضوعی است که مورد توجه مطالعات صورت گرفته در این حوزه نبوده است. از این روی، در این مطالعه تأثیر انواع نابرابری (ثروت، درآمد و جنسیت) بر شاخص ناآرامی اجتماعی در کشورهای منتخب خاورمیانه در دوره ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۱ با استفاده از روش حداقل مربعات پویا (DOLS) مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد در دوره مورد بررسی ضرایب تخمینی متغیرهای نابرابری درآمد، نابرابری ثروت و تورم، منفی و ضریب تخمینی متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه، مثبت بوده است. همچنین ضریب تخمینی متغیر سهم درآمد زنان (کاهش نابرابری جنسیتی)، منفی بوده است به عبارت دیگر، افزایش نابرابری‌های درآمدی، ثروت و جنسیتی به جهت افزایش شکاف بین افراد مختلف جامعه از نظر سطح ثروت و درآمد موجب افزایش نارضایتی و در نتیجه ناآرامی اجتماعی می‌شود. با توجه به نتایج مدل می‌توان گفت که: در این تحقیق به ترتیب نابرابری ثروت، نابرابری درآمدی و نابرابری جنسیتی بیشترین تأثیر را بر ناآرامی اجتماعی دارند.

**کلیدواژه‌ها:** ناآرامی اجتماعی، نابرابری ثروت، نابرابری درآمدی، نابرابری جنسیتی، تولید ناخالص داخلی،

تورم

طبقه‌بندی JEL: I14, J24, H50.

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: ابوالفضل شاه‌آبادی

آدرس: گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، ایمیل: [a.shahabadi@alzahra.ac.ir](mailto:a.shahabadi@alzahra.ac.ir)

## ۱. مقدمه

ناآرامی اغلب شامل حرکات سریع افرادی است که از مکان‌های مختلف می‌آیند اما در تعداد کمی از مکان‌ها تمرکز می‌کنند، این بدان معناست که تعداد حوادث نسبتاً کم است. هر زمانی که در جامعه، اغتشاشات و آشفتگی‌هایی به وجود آید که کارکرد هماهنگ و معمولی زندگی اجتماعی را به خطر اندازد، این نوع بحران تعریف می‌شود (زینالی، ۱۳۸۴). از آغازین دهه‌های قرن بیستم در جهان، مسئله مورد بحث به‌عنوان یک چالش ذهنی اساسی مورد توجه اغلب متفکران و نظریه‌پردازان علم مطالعات اجتماعی قرار گرفته است؛ بنابراین می‌توان گفت ناآرامی اجتماعی، پدیده‌ای نیست که آنی به وجود آمده باشد بلکه در بستر روندهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شکل گرفته و در شرایط زمانی خاصی امروزه موقعیت‌های تنش‌زای داخلی در بستر شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای، شدت و گسترش یافته و بستر و زمینه مناسب را برای به بار نشستن ناآرامی‌ها فراهم می‌سازد (دستمالچی، ۱۳۸۹) که اعتراض و ناآرامی‌های اجتماعی، صلح و آرامش را از هم می‌پاشد و کسب‌وکار معمول در جامعه را متوقف می‌کند. در واقع، تأمین امنیت و آرامش از مهم‌ترین ملزومات زندگی جوامع است که پیوندی ناگسستنی و عمیق با رشد و موفقیت و شکوفایی در ابعاد مختلف جوامع دارد و باید به این موضوع توجه کرد که عواملی که سبب کاسته شدن امنیت و آرامش می‌شوند، پدیده‌هایی خارج از مرزهای ملی و جوامع نیست بلکه این عوامل را باید در درون جوامع و در سازوکار نظام‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جست‌وجو کرد و از جمله عوامل مهم و تأثیرگذار بر امنیت جوامع، مسئله نابرابری‌هاست که به‌شدت ابعاد مختلف یک جامعه اعم از: ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع نابرابری یک مسئله مبهم و پیچیده است که تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارد اما این در حالی است که بدون اطلاع و شناخت جزئی و دقیق از علل مهم و اساسی روند شکل‌گیری نابرابری و عوامل مؤثر بر آن، اتخاذ اقدامات سیاستی مناسب برای مقابله با نابرابری بسیار دشوار خواهد بود که کاسته شدن از میزان نابرابری و همچنین برقراری و ایجاد صلح و عدالت اجتماعی به‌وسیله‌ی برقراری تعادل در توزیع درآمد و ثروت یکی از موضوعاتی است که به دغدغه‌ی سیاست‌گذاری اقتصادی تبدیل شده است (سرخوش و همکاران، ۱۳۹۸). بدیهی است که با بحرانی شدن زندگی شهروندان یک کشور، پایه‌های حاکمیت و نهادهای حاکمیتی نیز متزلزل می‌شود. علاوه بر آن ناآرامی‌های اجتماعی تأثیرات بسیار نامطلوبی بر اقتصاد و شاخص‌های اقتصادی در یک جامعه خواهد گذاشت و با نامطلوب شدن اوضاع اقتصادی جامعه سطح نارضایتی مردم جامعه نیز بالاتر رفته و بر ناآرامی‌های رخ داده دامن خواهد زد و به‌مرور باعث فروپاشی نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع خواهد شد. پس پرداختن به عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این ناآرامی‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای اجتناب‌ناپذیر است. شایان ذکر است خاورمیانه و آسیای مرکزی مناطقی هستند که همواره از ناآرامی‌های داخلی درگیری‌های درون‌دولتی و بین‌دولتی با تأثیر همزمان بر اقتصاد ملی‌شان رنج

می‌برند. نمونه بارز این‌گونه درگیری‌ها و ناآرامی‌های داخلی در منطقه خاورمیانه، به‌اربعی است (Houle et al, 2022) و همچنین از اعتراضات مردمی گسترده در عراق که در سال ۲۰۱۹ رخ داد، نیز می‌توان یاد کرد.

از این‌رو با توجه به اهمیت موضوع و با توجه به اینکه در میان مطالعات و پژوهش‌های داخلی، تأثیر انواع نابرابری بر ناآرامی‌های اجتماعی به‌طور مستقیم مورد توجه قرار نگرفته و در میان مطالعات خارجی صورت گرفته نیز توجهی به این موضوع نشده است یا به‌طور نامحسوسی انجام شده است، پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های تجربی ۱۴ کشور خاورمیانه‌ای از جمله ایران، عربستان، قطر، کویت، عمان، امارات، مصر، بحرین، اردن، لبنان، عراق، فلسطین اشغالی، لیبی و سوریه از نظر شدت و میزان دارابودن ناآرامی‌های اجتماعی در دوره ۲۰۲۱-۱۹۹۵ سعی می‌کند تأثیر نابرابری درآمد، نابرابری ثروت، نابرابری جنسیتی، رشد اقتصادی و تورم را بر ناآرامی‌های اجتماعی بررسی و تعیین نماید؛ زیرا نابرابری (درآمد، ثروت و جنسیت) چالش بزرگی است که جهان امروز و به‌ویژه کشورهای خاورمیانه با آن مواجه است. در ادامه و پس از بررسی تأثیر هر یک از متغیرها بر متغیر وابسته، به بررسی مطالعات تجربی صورت گرفته در این حوزه پرداخته می‌شود، در پایان نیز بعد از سنجش و بررسی متغیرهای مدل، نتایج بدست آمده در قالب پیشنهادهایی ارائه می‌شود تا در راستای کنترل و کاهش ناآرامی‌های اجتماعی کشورهای مورد مطالعه کمک درخور و شایانی داشته باشد.

## مبانی نظری

تلاطم‌ها و تنش‌های یک جامعه از مباحث و مفهومی‌های بخش مهمی از علم مطالعات اجتماعی به شمار می‌آید. ناآرامی اجتماعی در بسیاری از کشورهای جهان یک مسئله اجتماعی مهم است. فقط در نیمه دوم سال ۲۰۱۹، تظاهرات بزرگ یا اشکال دیگر بی‌نظمی در مکان‌هایی مانند بولیوی، شیلی، فرانسه، هنگ‌کنگ، هند، عراق و لبنان رخ داده است. چنین ناآرامی‌هایی ارتباط طبیعی با اقتصاد دارد. در سال ۲۰۱۸ مطالعه‌ای از سوی لابراتور نابرابری جهانی اطلاعاتی را از میزان درآمد و ثروت موجود در پانزده کشور منطقه؛ از مصر گرفته تا ایران و از کشورهای حاشیه خلیج فارس تا ترکیه را جمع‌آوری و تلفیق کرد تا تخمینی را در زمینه نابرابری درآمد در سطح منطقه در بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶ را ارائه دهد. در این دوره، ۶۴ درصد از کل درآمد کشورهای منطقه به ۱۰ درصد بالایی کسب کنندگان درآمد تعلق داشت، درحالی‌که این رقم در اروپای غربی ۳۷ درصد و در ایالات متحده ۴۷ درصد بود. بر اساس این ارقام، نابرابری درآمدی در کشورهای منطقه خاورمیانه به اندازه نابرابرترین کشورها از جمله برزیل و آفریقای جنوبی است. شاخص‌های اقتصادی و تصمیمات اقتصادی می‌توانند باعث بروز و یا تشدید ناآرامی‌های اجتماعی شوند. به‌عنوان مثال افزایش مالیات و قیمت سوخت به ترتیب محرک‌های مهم اعتراضات اخیر در بعضی از کشورهای

خاورمیانه بوده است (فیلیپ بارت و همکاران، ۲۰۲۰). خاورمیانه و آسیای مرکزی مناطقی هستند که همواره از ناآرامی‌های داخلی، درگیری‌ها و درگیری‌های درون‌دولتی و بین‌دولتی با تأثیر همزمان بر اقتصاد ملی‌شان رنج می‌برند. نمونه بارز این‌گونه درگیری‌ها و ناآرامی‌های داخلی در منطقه خاورمیانه، بهار عربی است (Houle et al, 2022) و می‌توان گفت: بحران‌ها و تحولات اجتماعی، یکی از چالش‌ها و دغدغه‌های جدی پیش روی حکومت‌هاست. عوامل متعددی از جمله: افزایش دامنه ناکامی‌ها، فزونی فاصله طبقاتی، فقر مالی، اختلافات قومی و مذهبی و دیگر عوامل سیاسی و فرهنگی به بروز ناآرامی‌ها و اعتراضات متعددی در جامعه منجر می‌شود. در واقع آرامش و امنیت ملی از اهداف اساسی در ملل و جوامع محسوب می‌شود و رهبران سیاسی جوامع، برقراری و ایجاد صلح و امنیت لازم و همچنین افزایش ثبات و رشد و توسعه در منافع ملی را سرلوحه‌ی کار خویش قرار می‌دهند که برقراری آرامش و امنیت در جوامع از اصلی‌ترین نیازهای انسانی به شمار می‌آید و این متغیر علاوه بر تامین و فراهم‌سازی نیازهای اساسی و مهم انسان‌ها، می‌تواند فراهم‌کننده شرایط ایده‌آل و شکوفا در افراد باشد (اعظمی و روستا، ۱۳۹۰). اما برای فراهم‌آوردن این آرامش، ضروری است که اقداماتی در جهت کاهش عوامل سلب‌کننده آرامش و امنیت، صورت گیرد که یکی از عوامل مهم در سلب آرامش و امنیت، نابرابری‌هاست (دادگر و محمودوند، ۱۳۹۹). می‌توان گفت: نابرابری اقتصادی، به تفاوتی که در معیارهای مختلف رفاه اقتصادی در میان مردمان کشورها وجود دارد، گفته می‌شود. در جوامع از نابرابری اقتصادی، اغلب به نابرابری ثروت، شکاف ثروت و یا نابرابری درآمد یاد می‌شود. نابرابری اقتصادی موجب نابرابری فرصت‌ها در بین گروه‌های مختلف می‌گردد لذا نابرابریهای اقتصادی نقش مهم و قابل توجهی در ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی و آشوب‌ها دارد (Schmalor and Heine, 2022).

در ادامه سازوکار اثرگذاری انواع نابرابری (نابرابری درآمدی، نابرابری ثروت و نابرابری جنسیتی) و همچنین رشد اقتصادی و تورم بر ناآرامی‌های اجتماعی تشریح می‌شود.

#### **الف) سازوکار تأثیر نابرابری درآمدی بر ناآرامی‌های اجتماعی:**

توزیع درآمد یکی از نیروهای حیاتی است که ساختار اقتصادی، نهادی و فناوری یک کشور را شکل می‌دهند. در جامعه‌ای با نابرابری درآمدی بزرگ‌تر، برای فقرا، شروع و پیوستن به یک درگیری خشونت‌آمیز نسبتاً «سودآور» یا هزینه فرصت کمتری دارد (Lichbach, 1989). زمانی که بازده مورد انتظار از تصمیم‌های کم‌خطر ضعیف باشد، حساسیت به نابرابری، به‌ویژه توسط افرادی که در پایین‌ترین سطح قرار دارند، ممکن است منجر به تصمیمات با ریسک بالاتر شود (Wilson & Daly, 1997). همچنین افرادی که فقر خود را دائمی می‌دانند، ممکن است با انگیزه‌های خصمانه به‌جای رفتارهای منطقی به دنبال منافع خود سوق داده شوند (Blau & Blau, 1982). از دیدگاه روان‌شناختی، نابرابری درآمد ممکن است احتمال وقوع ناآرامی‌های اجتماعی را از طریق کانال ذهنی زیر افزایش دهد.

در یک جامعه نابرابرتر، احساسات فردی در مورد زندگی خود و نگرش عمومی نسبت به دولت یا جامعه ممکن است تحت تأثیر منفی قرار گیرد، این امر باعث می‌شود افرادی که به منافع یا حقوق آنها تجاوز می‌شود، در صورت عدم وجود مکانیسم‌های مؤثر برای حل تعارض، بیشتر درگیر ناآرامی‌های اجتماعی شوند (Alesina, et al, 2004). همچنین مالیات‌ها به واسطه اثری که بر درآمد دارند می‌توانند بر ناآرامی مؤثر باشند بدین صورت که: اگر مالیات‌ها موجب کاهش نابرابری درآمدی شوند، ناآرامی اجتماعی را کاهش می‌دهند. مخارج دولت نیز زمانی که جنبه رفاهی داشته باشند، می‌توانند با پرداخت یارانه نابرابری درآمدی در جامعه را کاهش دهند. مشخص شده است که نابرابری درآمدی بالاتر با اعتماد کمتر مرتبط است و این رابطه به‌ویژه برای افرادی که تنفر شدیدی نسبت به تفاوت درآمد دارند قوی است (Gustavsson & Jordahl, 2008). در نتیجه، نابرابری درآمدی حل و فصل اختلافات را دشوارتر می‌کند، می‌تواند نارضایتی اجتماعی را افزایش دهد و ناآرامی‌های اجتماعی را دامن بزند.

#### ب) سازوکار تأثیر نابرابری ثروت بر ناآرامی‌های اجتماعی:

دانشمندان علوم سیاسی زمان زیادی را صرف تحلیل همبستگی‌های تجربی نابرابری درآمد کرده‌اند، اما تلاش کمتری در زمینه نابرابری ثروت انجام شده است. دلیل خوبی برای این امر وجود دارد: به‌طور کلی به دست آوردن داده‌های نابرابری ثروت بسیار دشوارتر است و توزیع ثروت تقریباً همیشه نابرابرتر از توزیع درآمد است (Scheve & Stasavage, 2017). دلیل دوم تمرکز بر نابرابری ثروت این است که، حتی بیشتر از نابرابری درآمد، می‌تواند ویژگی‌های «گلوله برفی»<sup>1</sup> داشته باشد. برای دو نفر که دارای دارایی با ارزش‌های اولیه متفاوت هستند و نرخ بازدهی یکسانی دارند، فردی که در ابتدا ثروتمندتر است نسبت به همتای خود ثروتمندتر می‌شود مگر اینکه عامل دیگری دخالت کند. اقتصاددانان مدت‌هاست که با این پرسش مشغول بوده‌اند که چه عواملی ممکن است برای ایجاد توزیع ثابت ثروت مداخله کنند، برخلاف توزیعی که به‌طور فزاینده‌ای منحرف می‌شود. این کار توسط Benhabib & Bisin (2018) بررسی شده است، آنها دریافتند توزیع ثابت ثروت می‌تواند به‌شدت در نتیجه شرایط اقتصادی مستقل از سیاست دولت پدیدار شود. با این حال، سیاست دولت در قالب مالیات بر سرمایه نیز تعیین می‌کند که این توزیع ثابت چقدر نابرابر است. سایر اقتصاددانان مدل‌های نظری ارائه کرده‌اند که در آنها افزایش نابرابری ثروت، مدیران/بالادست‌ها را بر آن می‌دارد که به دلیل ترس از اینکه امتناع از انجام این کار منجر به سلب مالکیت مطلق شود، موافقت کنند که برخی از دارایی‌هایشان مالیات برداشته شود (Farhi & Werning, 2014). به عبارت دیگر، فرآیند دموکراتیک ممکن است خود تنظیم‌کننده باشد. با این وجود نابرابری ثروت

---

<sup>1</sup> Snowballing

همانند نابرابری درآمد می‌تواند تقاضای دخلی را کاهش دهد که منجر به افزایش شدید بیکاری، ناآرامی‌های اجتماعی و رکود اقتصادی بلندمدت خواهد شد.

### ج) سازوکار تاثیر نابرابری جنسیتی بر ناآرامی‌های اجتماعی

با توجه به پیچیدگی یا مبهم بودن این مفهوم، محققان از اشکال بسیاری از اندازه‌گیری‌ها برای کشف مکانیسم‌های بالقوه مرتبط با نحوه ارتباط نابرابری جنسیتی با شروع جنگ داخلی استفاده کرده‌اند. در هسته اصلی آن اغلب مسائل مربوط به دسترسی به قدرت برای تصمیم‌گیری (در مورد همه چیز از مسائل "خصوصی" بدن خود تا تأثیرگذاری بر ساختارهای "عمومی" بزرگتر) و دسترسی به اشکال مختلف منابع مادی و غیرمادی (مانند زمین، پول، تحصیل و غیره) وجود دارد. ابعاد مختلف تعدادی از فرآیندها و پویایی‌های بالقوه مرتبط را برای درک مکانیسم‌های دخلی در رابطه نابرابری جنسیتی با جنگ داخلی ایجاد می‌کند. بعد اول که اغلب در کشف نابرابری جنسیتی به کار می‌رود، به دسترسی به قدرت سیاسی مربوط می‌شود. در واقع، بسیاری می‌گویند که قدرت اساس مفهوم نابرابری است و بعد سیاسی را می‌توان استدلال کرد که قدرت "واقعی" را برای اعمال نفوذ در جامعه به دست می‌دهد. بعد دوم بعد اقتصادی است. در اساس خود، این بر دسترسی به منابع مادی متمرکز است که از طریق آن افراد در یک گروه می‌توانند بر زندگی خود تأثیر بگذارند. بعد اقتصادی اغلب از نرخ اشتغال زنان برای به تصویر کشیدن رشد ظرفیت فردی استفاده می‌کند. اگر زنان مشاغل خارج از خانواده دارند، فرض بر این است که احساس مشارکت سیاسی و ظرفیت نفوذ را تقویت می‌کند. در هر دو معنا، سطوح بالای اشتغال نشان‌دهنده یک جامعه برابر جنسیتی در نظر گرفته می‌شود (Caprioli & Boyer, 2005؛ Caprioli & Regan & Paskeviciute, 2001). بعد سومی که اغلب توسط محققان مورد تأکید قرار می‌گیرد، مربوط به بعد اجتماعی نابرابری جنسیتی است. این در تحقیقات هم از نظر ارزشی که به افراد بسته به جنسیت آنها داده می‌شود و هم از نظر ارزشی که به ادراکات ساختاری‌تر از زنان/زنانگی در مقایسه با مردان/مردانگی در یک جامعه، یعنی جنسیت مرتبط است، مورد بحث قرار می‌گیرد. همانطور که کاپریولی اشاره کرد، گرفتن این بعد بسیار دشوار است.

در نهایت، بعد (ناامنی) فیزیکی زنان به‌عنوان معیاری برای سنجش نابرابری جنسیتی استفاده شده است. برخی از اقداماتی وجود دارد که امنیت زنان را به‌طور غیرمستقیم در بر می‌گیرد، به‌عنوان مثال امید به زندگی و مرگومیر مادران، یا به‌جای امنیت عملی، مانند قانون‌گذاری علیه خشونت خانگی. با این حال، Hudson et al (2009) معیاری را پیشنهاد می‌کنند که می‌خواهد فوری‌تر باشد - خشونت مستقیم علیه زنان. آنها استدلال می‌کنند که این ثمربخش است، زیرا تا حد زیادی از وضعیت در اساسی‌ترین نهادهای یک جامعه، یعنی خانواده صحبت می‌کند؛ بنابراین آنها بر تجاوز و خشونت علیه زنان تمرکز می‌کنند. با این حال، اندازه‌گیری آسان برای استفاده نیست. بسیاری از اشکال خشونت علیه زنان با انگ یا سرزنش قربانی همراه است.

علاوه بر این، برخی از پیشرفت‌های اجتماعی-اقتصادی جنسیتی می‌تواند به‌طور بالقوه افزایش خطر درگیری را از طریق تأثیرگذاری بر فرصت سازمان‌های نظامی برای استخدام با ایجاد مزاد مردان توضیح دهد (Hudson & Den Boer, 2002)؛ بنابراین، یک روند اساسی نهایی در درک نابرابری جنسیتی، هنجاری است. توزیع برابر یا متوازن منابع منصفانه و مطلوب در نظر گرفته می‌شود و توزیع نابرابر منابع به‌عنوان نشان‌دهنده ارزش کمتری است که به یک گروه خاص اختصاص داده شده است (Olsson, 2009). در این درک، نابرابری جنسیتی در قالب یک نوع عدم تحمل هنجاری به‌طور گسترده‌تری در نظر گرفته می‌شود.

#### د) سازوکار تاثیر رشد اقتصادی بر ناآرامی‌های اجتماعی:

تولید ناخالص داخلی سرانه به این معناست که: ارزش پولی، بازاری همه خدمات و کالاهای نهایی در یک دوره یک ساله را در یک کشور نشان می‌دهد که به عنوان شاخص اصلی در قضاوت موقعیت اقتصاد یک کشور نسبت به سایر کشورها در طول زمان استفاده می‌شود (Jersey & Van Bergh, 2009). مطالعات متعددی که به بررسی تاثیر تولید ناخالص داخلی سرانه بر سطح بی‌ثباتی اجتماعی پرداخته‌اند، وجود دارند که اکثر این مطالعات بر این فرض استوارند که هرچه سطح توسعه اقتصادی در یک منطقه بیشتر باشد، احتمال وقوع درگیری‌های داخلی کمتر است و حمایت ضعیف‌تری از ایده‌های انقلابی در میان مردم صورت می‌گیرد. بنابراین (Macculloch, 2004) تاثیراتی که سطح توسعه اقتصادی بر انتشار ایده‌های انقلابی در یک جامعه دارند را با استفاده از داده‌های خرد که از نظرسنجی‌های جوانان انقلابی بدست آمده است را بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد رشد تولید ناخالص داخلی سرانه، خطر انتشار و گسترش ایده‌های انقلابی را کاهش می‌دهد (Korotayev et al (2018)). Satyanath et al (2004) نیز بیان می‌دارند رابطه منفی قوی بین رشد اقتصادی و درگیری‌های اجتماعی در منطقه آفریقا وجود دارد.

همچنین می‌توان بیان داشت رشد تولید ناخالص داخلی در رژیم‌های استبدادی باعث تقویت جنبش برای دموکراسی و در نتیجه تشدید تظاهرات ضددولتی می‌شود که درصد بسیار بالایی از کل دولت‌ها با ارزش پایین درآمد سرانه و تاثیر افزایش فشار داخلی بر رژیم‌های استبدادی در جهت دموکراسی را دولت‌های استبدادی تشکیل می‌دهند (Korotayev et al (2018)).

#### ه) سازوکار تاثیر تورم بر ناآرامی‌های اجتماعی:

تورم که باعث افزایش قیمت خدمات و کالاها می‌شود، منجر به کاهش قدرت خرید افراد و همچنین کاهش درآمد حقیقی آن‌ها شده که این امر کاهش‌دهنده توان افراد در تامین هزینه‌های لازم و ضروری برای زندگی و همچنین تامین بهداشت و سلامت می‌شود. شایان ذکر است وجود تورم می‌تواند به بی‌مسئولیتی و انحرافات اجتماعی در پی آن دامن بزند (ابراهیمی و چاکرزه‌ی، ۱۳۹۴). تورم به ضرر گروه‌های متوسط و کم‌درآمد و فقیر و به نفع گروه‌های پردرآمد و ثروتمند است؛ به بیان دیگر تورم به افرادی که دارای درآمدهای پولی ثابت هستند، ضرر می‌رساند و قدرت

خرید آنان را کاهش می‌دهد و در مقابل، کسانی که درآمدهای پولی متغیر دارند، از منفعت بیشتری برخوردارند و به طور خلاصه می‌توان گفت: افراد متوسط و فقیر، ضعیف‌تر و افراد ثروتمند، ثروتمندتر می‌شوند و باعث افزایش شکاف طبقاتی و نابرابری می‌شوند و ناآرامی‌های بسیاری از جمله: افزایش جرم و جنایت و درگیری را به دنبال دارد. براساس تحلیل Becker، شرایط اقتصادی از جمله: تورم، منجر به افزایش نرخ جرائم می‌شود. چون که این متغیر افزایش‌دهنده تفاوت موجود میان جرم و کار قانونی است و ناآرامی‌های اجتماعی بسیاری را در پی دارد (ابراهیمی و چاکرزی، ۱۳۹۴). در واقع تورم، میزان اعتماد عمومی به نهادهای موجود در جامعه و قوانین تصویب شده در آن جامعه را کاهش می‌دهد و از این طریق، از دست رفتن کنترل اجتماعی را در پی دارد (به بیان دیگر، با حاکم شدن شرایط اقتصادی سخت، هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی به تدریج کنار گذاشته شده که از دست رفتن کنترل اجتماعی را در پی دارد) که منجر به افزایش تنش‌ها و اعتراضات در سطوح جامعه می‌شود (نقدی و همکاران، ۱۳۹۹).

#### پیشینه پژوهش

راغفر و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی اثرات توزیع درآمد بر ناآرامی‌های اجتماعی پرداخته و مدل مورد نظر را با استفاده از داده‌های اقتصاد ایران شبیه‌سازی کرده و براساس نتایج تحقیق بیان می‌دارند زمانی که سطح پاداش برای نیروی نظامی نازل است، احتمال پیروزی شهروندان طغیانگر بیشتر می‌شود. نتایج نشان می‌دهد هنگامی که درآمد نیروهای نظامی در سطح متوسط قرار دارد، احتمال جنگ داخلی و هنگامی که درآمد نیروهای نظامی بالاست احتمال پیروزی دولت بالاتر است. دادگر و محمودوند (۱۴۰۱) به بررسی رابطه نابرابری و ناآرامی‌های اجتماعی در ایران و کشورهای منتخب می‌پردازند و با توجه به نتایج بدست آمده بیان می‌دارند کشورهایی که از ثبات سیاسی- اجتماعی بیشتری برخوردارند در رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی به‌طور نسبی موفق‌ترند و نابرابری و ناآرامی کمتری داشته‌اند.

ربیعی (۱۴۰۰) به بررسی تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات و توزیع درآمد بر ناآرامی‌های اجتماعی در ایران در دوره ۱۹۸۴-۲۰۱۸ پرداخته و براساس نتایج تحقیق بیان می‌دارند فناوری اطلاعات و ارتباطات و توزیع ناعادلانه درآمد، به‌طور معناداری، به افزایش ناآرامی‌های اجتماعی در ایران منجر شده است. همچنین نرخ تورم نیز به‌طور معنادار، باعث افزایش ناآرامی‌های اجتماعی در ایران می‌شود.

حق‌شناس و همکاران (۱۳۹۸) با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی به بررسی تأثیر فقر و وضعیت معیشت بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در استان کردستان پرداخته و براساس نتایج تحقیق بیان می‌دارند میزان فقر در استان کردستان طی دهه‌های گذشته، افزایش یافته و این امر، نارضایتی عمومی را افزایش داده است.



Ricci (2021) با استفاده از داده‌های سری زمانی کشور شیلی نشان داد توزیع ناعادلانه باعث ناآرامی‌های اجتماعی در این کشور شده و پیش‌بینی نموده است که با توجه به کاهش نابرابری، احتمال ناآرامی در شیلی کاهش خواهد یافت.

Krieger & Meierrieks (2019) به بررسی تأثیر نابرابری درآمدی بر تروریسم داخلی در ۱۱۳ کشور منتخب در طول دوره زمانی ۱۹۸۴-۲۰۱۲ پرداخته و براساس نتایج تحقیق بیان می‌دارند توزیع ناعادلانه درآمدی بالا، به افزایش تروریسم داخلی منجر می‌شود. همچنین نشان دادند که باز توزیع درآمد، تأثیر کاهنده بر تروریسم داخلی دارد.

Forsberg & Olsson (2016) به بررسی تأثیر نابرابری منطقه‌ای در داخل کشورها بر درگیری‌های داخلی با استفاده از داده‌های پانل نابرابری‌های منطقه‌ای ۵۶ کشور (۸۳۵ منطقه محلی) بین سال‌های ۱۹۸۰ - ۲۰۰۹ و داده‌های مقطعی گسترده‌تری برای سال ۲۰۰۵ که ۱۱۰ کشور (۱۵۶۹ منطقه فرعی) پرداخته و براساس نتایج تحقیق بیان می‌دارند نابرابری‌های منطقه‌ای خطر درگیری داخلی را افزایش می‌دهد.

Bartusevičius (2014) به بررسی ارتباط توزیع درآمدی و آموزشی با شورش‌های عمومی در نمونه ۷۷ شورش عمومی پرداخته و براساس نتایج تحقیق توزیع ناعادلانه به صورت مستقیم و معناداری، شورش‌های عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین توزیع ناعادلانه آموزش، رابطه خطی با شورش‌های عمومی دارد.

با بررسی مطالعات انجام‌شده تاکنون مطالعات جامعی در خصوص تأثیر انواع نابرابری بر ناآرامی‌های اجتماعی صورت نگرفته است. لذا مطالعه حاضر به بررسی تأثیر انواع نابرابری بر ناآرامی‌های اجتماعی کشورهای منتخب خاورمیانه پرداخته است.

### مدل پژوهش

مطالعه حاضر به بررسی تأثیر انواع نابرابری (درآمد، ثروت و جنسیت) بر ناآرامی اجتماعی در منتخبی از کشورهای خاورمیانه بشرح زیر می‌پردازد:

$$(1) \quad IC_{it} = f(GINI_{it}, Y_{it}, INF_{it})$$

$$(2) \quad IC_{it} = f(WI_{it}, Y_{it}, INF_{it})$$

$$(3) \quad IC_{it} = f(GI_{it}, Y_{it}, INF_{it})$$

شکل لگاریتمی معادلات بالا به صورت معادلات (۴) تا (۶) است.

$$(4) \quad \ln IC_{it} = \alpha_0 + \beta_1 \ln GINI_{it} + \beta_2 \ln Y_{it} + \beta_3 \ln INF_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$(5) \quad \ln IC_{it} = \alpha_0 + \beta_1 \ln WI_{it} + \beta_2 \ln Y_{it} + \beta_3 \ln INF_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$(6) \quad \ln IC_{it} = \alpha_0 + \beta_1 \ln GI_{it} + \beta_2 \ln Y_{it} + \beta_3 \ln INF_{it} + \varepsilon_{it}$$

در معادلات بالا  $IC_{it}$  متغیر وابسته و نشان‌دهنده میزان تعارض‌های اجتماعی کشور  $i$  در سال  $t$

$GINI_{it}$  و  $WI_{it}$  به ترتیب نشان‌دهنده میزان نابرابری درآمد و نابرابری ثروت کشور  $i$  در سال  $t$

هستند که با ضریب جینی اندازه‌گیری می‌شوند. همچنین  $GI_{it}$  میزان نابرابری جنسیتی کشورها را نشان می‌دهد که در این تحقیق مشابه مهربانی (۱۳۹۶) با میزان سهم درآمد زنان نسبت به مردان اندازه‌گیری می‌شود. علاوه بر این متغیرهای کنترلی  $Y_{it}$  و  $INF_{it}$  برای تصریح صحیح مدل گنجانده شده است.  $Y_{it}$  تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت ثابت ۲۰۱۵ (واحد هزار دلار) و  $INF_{it}$  میزان تورم است که با شاخص قیمت مصرف کننده نشان داده می‌شود. داده‌های این دو متغیر از سایت کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل متحد (آنکتاد) استخراج شده است. در نهایت در معادلات بالا  $\varepsilon_{it}$  نشان‌دهنده جمله خطا است.

در این تحقیق از شاخص ناآرامی اجتماعی (درگیری‌های داخلی) به‌عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. این شاخص بازه‌ای بین ۰ تا ۱۲ دارد که مقدار نزدیک به صفر نشان‌دهنده وجود درگیری اجتماعی بالا است درحالی‌که هرچه عدد این شاخص به سمت دوازده نزدیک شود بیانگر افزایش کاهش ناآرامی‌های اجتماعی است. همچنین نابرابری درآمد به پیروی از Sun et al (2023) با ضریب جینی درآمد (۰ و ۱) اندازه‌گیری می‌شود. نابرابری ثروت نیز با ضریب جینی ثروت اندازه‌گیری می‌شود. مقیاس عددی این شاخص نیز بین ۰ تا ۱۰۰ است که عدد ۱۰۰ نشان‌دهنده نابرابری ثروت بالا و عدد ۰ نشان‌دهنده برابری ثروت است. به پیروی از پایگاه بین‌المللی نابرابری جهان سهم درآمد زنان شاغل نسبت به مردان به‌عنوان شاخص نابرابری جنسیتی در نظر گرفته شده است. مقیاس عددی این متغیر بین ۰ تا ۱۰۰ درصد است که عدد ۱۰۰ نشان‌دهنده برابری جنسیتی و عدد ۰ نشان‌دهنده بالاترین سطح از نابرابری جنسیتی است.

### داده‌های پژوهش

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش منتخب کشورهای خاورمیانه (ایران، عربستان، قطر، کویت، عمان، امارات متحده عربی، مصر، بحرین، اردن، لبنان، عراق، فلسطین اشغالی، لیبی و سوریه) پرداخته است. در ضمن، داده‌های مورد استفاده برای تحلیل رابطه بین متغیرها از نوع آمار ثانویه است که به روش اینترنتی گردآوری و در جدول (۱) گزارش می‌شود. همچنین بازه زمانی مورد بررسی با توجه به موجود بودن داده‌ها، نیز از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۱ میلادی است.

جدول ۱۰) نماد، تعریف و مأخذ آماری متغیرهای تحقیق

متغیر	تعریف	واحد اندازه‌گیری	منبع
NG	ناآرامی اجتماعی	-	International Country Risk Guide
GINI	نابرابری درآمد	درصد	<a href="https://wid.world/data">https://wid.world/data</a>
WI	نابرابری ثروت	درصد	<a href="https://wid.world/data">https://wid.world/data</a>
GI	نابرابری جنسیتی	درصد	<a href="https://wid.world/data">https://wid.world/data</a>

https://unctadstat.unctad.org	به قیمت ثابت ۲۰۱۵ (هزار دلار)	تولید ناخالص داخلی سرانه	Y
https://unctadstat.unctad.org	درصد	تورم	INF

### تخمین مدل

در این پژوهش به منظور جلوگیری از بروز مشکل رگرسیون کاذب، آزمون ایستایی متغیرها با استفاده از آزمون‌های لوین، لین و چو (LLC) و Im, Pesaran and Shin (IPS) انجام شده است. در این آزمون‌ها، روند بررسی ایستایی مشابه است و با رد فرضیه  $H_0$ ، نایستایی یا وجود ریشه واحد متغیرها رد می‌شود. از آنجایی که متغیرهای استفاده شده در تحقیق حاضر، با تفاضل‌گیری پایا می‌شوند، پس از بررسی ایستایی متغیرها، هم‌انباشتگی (همگرایی) پانلی برای بررسی روابط بلندمدت متغیرها و عدم وجود رگرسیون کاذب، مورد آزمون قرار می‌گیرد. همچنین در پژوهش حاضر، از آزمون کائو برای بررسی هم‌انباشتگی پانل بین متغیرهای تحقیق استفاده شده است که بعد از بررسی ایستایی و هم‌انباشتگی متغیرها در طول زمان، اولین گام در برآورد مدل‌های پانل دیتا، تعیین نمودن قیود وارد شده بر مدل اقتصادسنجی است. برای آزمون معنی‌دار بودن روش داده‌های پانل، از آماره آزمون F لیمر استفاده شده است. از آنجایی که مقدار احتمال آزمون لیمر در جدول (۲) کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، لذا فرض صفر مبنی بر وجود رگرسیون Pooled تایید نمی‌شود و مدل دارای اثرات تصادفی یا ثابت بر روی مقاطع است.

### جدول ۲. نتایج آزمون اف لیمر

مدل	نوع آزمون	مقدار احتمال	آماره t
مدل (۱) (نابرابری درآمد)	اف لیمر	۰/۰۰۰۰	۳۸/۸۳۵۱۳۶
مدل (۲) (نابرابری ثروت)	اف لیمر	۰/۰۰۰۰	۳۲/۷۵۱۸۳۱
مدل (۳) (نابرابری جنسیت)	اف لیمر	۰/۰۰۰۰	۳۴/۴۰۲۰۹۷

در جدول ۳ نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی ارائه شده است؛ از آنجا که مقدار احتمال آزمون در مدل کمتر از ۰/۰۵ است، فرضیه صفر مبنی بر وجود اثرات تصادفی روی مقاطع رد می‌شود و مدل دارای اثرات ثابت بر روی مقاطع (در اینجا کشورها) است.

### جدول ۳. نتایج آزمون هاسمن

مدل	نوع آزمون	مقدار احتمال	آماره کای اسکوئر
-----	-----------	--------------	------------------

۲۲/۳۳۰۷۲۷	۰/۰۰۰۱	هاสมن	مدل (۱) (نابرابری درآمد)
۱۷/۶۵۲۸۹۰	۰/۰۰۰۵	هاسمن	مدل (۲) (نابرابری ثروت)
۲۸/۹۷۳۵۹۱	۰/۰۰۰۰	هاسمن	مدل (۳) (نابرابری جنسیت)

با توجه به تایید هم‌انباشتگی پانلی بین متغیرهای مدل‌های تحقیق در جدول ۴ نتایج تخمین ضرایب با استفاده از الگوی DOLS ارائه شده است.

جدول ۰. نتایج برآورد مدل تحقیق

حالت (۳) $IC_{it} = f(GINI_{it}, Y_{it}, INF_{it})$		حالت (۲) $IC_{it} = f(WI_{it}, Y_{it}, INF_{it})$		حالت (۱) $IC_{it} = f(GINI_{it}, Y_{it}, INF_{it})$		متغیر وابسته Ln IC
ضریب	احتمال	ضریب	احتمال	ضریب	احتمال	
---	---	---	---	-۱/۰۶۸	۰/۰۰۰	Ln GINI
---	---	-۲/۱۰۷	۰/۰۰۰	---	---	Ln WI
-۰/۲۴۵	۰/۰۰۰	---	---	---	---	Ln GI
۰/۱۹۸	۰/۰۰۰	۰/۲۳۸	۰/۰۰۰	۰/۱۶۰	۰/۰۰۰	Ln Y
-۰/۰۶۲	۰/۰۰۰	-۰/۱۱۹	۰/۰۰۰	-۰/۰۹۱	۰/۰۰۰	Ln INF
۰/۵۳۲		۰/۵۹۸		۰/۵۴۹		R <sup>2</sup>
۰/۳۷۹		۰/۴۵۹		۰/۴۰۲		Adj- R <sup>2</sup>
۰/۲۰۹		۰/۱۹۵		۰/۲۰۴		S.E. reg
۰/۰۷۳		۰/۰۶۳		۰/۰۷۶		Long- variance

نکته: IC متغیر وابسته و نشان‌دهنده میزان تعارض‌های اجتماعی، GINI و WI به ترتیب نشان‌دهنده میزان نابرابری درآمد و نابرابری ثروت، Y تولید ناخالص داخلی سرانه و INF میزان تورم است.  
منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۴ نتایج برآورد مدل‌های تحقیق به روش DOLS را نشان می‌دهد. نابرابری درآمد و ثروت تأثیر مثبت و معنادار بر شاخص ناآرامی اجتماعی در کشورهای منتخب دارند؛ بنابراین با افزایش شاخص ضریب جینی، شاخص ناآرامی اجتماعی به لحاظ عددی کاهش می‌یابد و این نتیجه، به معنی افزایش ناآرامی اجتماعی در این کشورها در اثر افزایش ضریب جینی و یا بدتر شدن توزیع درآمد است. در تحلیل تأثیر توزیع درآمد بر افزایش ناآرامی اجتماعی، می‌توان گفت توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت در بین افراد جامعه، وضعیت اقتصادی-اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت، قشر کم درآمد جامعه را تحت فشارهای اقتصادی قرار می‌دهد و در چنین شرایطی، وضعیت برای اعتراض و شورش طبقه کم درآمد فراهم می‌شود. در مطالعات متعددی تأثیر توزیع درآمد و ثروت بر درگیری‌های اجتماعی انجام شده است. Stewart (2016) و

Cederman et al (2011) نشان داده است که توزیع ناعادلانه درآمد بر درگیری‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی تأثیر مستقیم دارد.

افزایش سهم درآمد زنان (کاهش نابرابری جنسیتی) تأثیر منفی و معنادار بر شاخص ناآرامی اجتماعی در کشورهای منتخب دارد. اگرچه Weichselbaumer & Winter- Ebmer (2005) نشان دادند شکاف جنسیتی دستمزدها در گسترده جهانی کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته و دلیل اصلی آن بهبود بازار کار زنان است؛ اما آمار منتشر شده درباره وضعیت نابرابری جنسیتی درآمد توسط مجمع جهانی اقتصاد نشان می‌دهد که کشورهای خاورمیانه وضعیت مناسبی را نسبت به دیگر مناطق جهان ندارند یعنی نسبت به دیگر مناطق کمترین سهم درآمد را زنان دارند. به طور کلی و با توجه به نتایج تخمین می‌توان بیان داشت نابرابری ثروت، نابرابری درآمدی و نابرابری جنسیتی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر ناآرامی اجتماعی دارند.

همچنین افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه (Y) تأثیر منفی و معناداری بر شاخص ناآرامی اجتماعی دارد. افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه به معنی بهبود شرایط اقتصادی و رفاهی شهروندان می‌باشد؛ بنابراین می‌تواند به کاهش درگیری‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی منجر شود. این نتیجه با نتیجه مطالعه ربیعی (۱۴۰۰) مشابهت دارد.

تورم تأثیر مثبت و معنادار بر شاخص ناآرامی اجتماعی دارد؛ از آنجا که کاهش عددی شاخص ناآرامی اجتماعی به معنی افزایش ناآرامی اجتماعی است، نرخ تورم به بدتر شدن و افزایش ناآرامی‌ها و درگیری‌های اجتماعی می‌انجامد. نرخ تورم با توجه به اینکه قدرت خرید خانوارها را به شدت کاهش می‌دهد، اثر نامطلوبی بر توزیع درآمد و رفاه خانوارها خصوصاً خانوهای کم درآمد دارد که به گسترش شکاف طبقاتی منتهی می‌شود که یکی از عوامل محرک بروز درگیری‌ها و اعتراضات اجتماعی و داخلی است.

### بحث و نتیجه‌گیری

ناآرامی‌های اجتماعی، بیانگر خطرات و تهدیداتی هستند که تعادل، امنیت و سلامت اجتماعی را با تهدیدات جدی مواجه می‌سازد. در این تحقیق با استفاده از داده‌های دوره ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۱ و روش حداقل مربعات پویا (DOLS) تأثیر رشد اقتصادی، تورم و انواع نابرابری (ثروت، درآمد و جنسیت) بر ناآرامی اجتماعی در منتخبی از کشورهای خاورمیانه بررسی گردیده است.

در تحقیق حاضر، با توجه به سناریوهای سیاسی در حال تحول و نقش آن‌ها در سیاست و اقتصاد کشورها، مطالعه این متغیرها می‌تواند چشم‌انداز جدیدی ارائه دهد و به تغییر سیاست‌ها و نوع حکمرانی کمک کند؛ بنابراین، تمرکز مطالعه حاضر بررسی تأثیر رشد اقتصادی، تورم و انواع نابرابری (ثروت، درآمد و جنسیت) بر ناآرامی اجتماعی در کشورهای خاورمیانه است.

مطابق نتایج تحقیق نابرابری درآمد، نابرابری ثروت و تورم تأثیر مثبت و معنادار بر شاخص ناآرامی اجتماعی در کشورهای خاورمیانه دارند. همچنین افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه تأثیر منفی و معناداری بر شاخص ناآرامی اجتماعی دارد؛ درحالی که افزایش سهم درآمد بانوان (کاهش نابرابری جنسیتی) تأثیر منفی و معنادار بر شاخص ناآرامی اجتماعی در کشورهای منتخب دارد.

وجود نابرابری و تورم در کشورهای خاورمیانه باعث افزایش تعارضات اجتماعی می شود. بر اساس این نتایج برای کشورهای خاورمیانه مهم است که اقداماتی از قبیل: به اجرا درآوردن سیاست های کاهش دهنده تورم که به نوبه خود، توزیع عادلانه درآمد و کاهش نابرابری درآمدی را به دنبال دارد، همچنین برنامه ریزی درخور و مناسبی در جهت رشد و توسعه اقتصادی برای پیشرفت وضعیت اقتصادی در میان اقشار جامعه داشته باشد. از آنجا که برابری را می توان - و باید - به دست آورد تا زندگی با عزت برای همه تضمین شود، سیاست های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باید همگانی باشد و به نیازهای جوامع محروم و حاشیه نشین توجه ویژه شود. کاهش نابرابری نیازمند تلاش های جدی برای ریشه کنی فقر شدید و گرسنگی و سرمایه گذاری هدفمند در زمینه بهداشت، آموزش، حمایت اجتماعی و بسط مشاغل مناسب به ویژه برای جوانان و اقشار آسیب پذیر به منظور توانمندسازی اقشار متوسط و ضعیف جامعه از یک سو و بهره گیری از ابزار مالیات جهت کاهش شکاف درآمدی و ثروت از سوی دیگر است. همچنین باید به این نکته توجه داشت که نابرابری جنسیتی به طور پیوسته و مداوم از بخش های مهم مسائل جوامع است که با صنعتی و مدرنیت شدن جوامع، امکان کاهش شکاف جنسیتی در زمینه هایی از قبیل: افزایش سطح تحصیلات و ورود به بازار کار و مشارکت داشتن در عرصه های اجتماعی مهیا شده است. لذا به منظور بهره مندی از توانایی کلیه اقشار جامعه و کاهش شکاف جنسیتی اقداماتی از قبیل تدوین و اجرای طرح های جامع توانمندسازی اقتصادی بانوان از طریق ارائه خدمات حمایتی، آموزش های فنی و حرفه ای و تسهیل دسترسی به منابع مالی و تشویق و حمایت از بانوان کارآفرین را در دستور کار قرار داد.

### References:

- Alesina, A., Di Tella, R., & MacCulloch, R. (2004). Inequality and happiness: Are Europeans and Americans different? *Journal of Public Economics*, 88(9-10), 2009-2042.
- Bartusevičius, H. (2014). The inequality–conflict nexus re-examined: Income, education and popular rebellions. *Journal of Peace Research*, 51(1), 35-50.
- Blau, J., & Blau, P. (1982). The Cost of Inequality: Metropolitan Structure and Violent Crime. *American Sociological Review* *Bloomington, Ind*, 47(1), 114-129.
- Benhabib, J., & Bisin, A. (2018). Skewed wealth distributions: Theory and empirics. *Journal of Economic Literature*, 56(4), 1261-1291.
- Chapman, T., & Reinhardt, E. (2013). Global credit markets, political violence, and politically sustainable risk premia. *International Interactions*, 39, 316-342.

- Caprioli, M. (2005). Primed for violence: The role of gender inequality in predicting internal conflict. *International Studies Quarterly*, 49(2), 161-178.
- Caprioli, M., & Boyer, M. A. (2001). Gender, violence, and international crisis. *Journal of Conflict Resolution*, 45(4), 503-518.
- Dadgar, Y. & Mahmoodvand, H. (2022). Analyzing the relationship between inequality and social unrest: Iran and the selected countries. *Journal of Economic Studies and Policies*, 9(1), 116-141. (In Persian)
- Dahlum, S., & Wig, T. (2020). Peace above the glass ceiling: The historical relationship between female political empowerment and civil conflict. *International Studies Quarterly*, 64(4), 879-893.
- Dal Bó, E., & Dal Bó, P. (2011). Workers, warriors, and criminals: social conflict in general equilibrium. *Journal of the European Economic Association*, 9(4), 646-677.
- Dastmalchi, M. (2010). Police's controlling social disturbances from the press viewpoint. *Order & Security Research Journal*, 3(4), 97-110. (In Persian)
- Ebrahimi, M. & Chakarzehy, A. (2015). The relationship between inflation, unemployment, and crime rates in Iran. *Strategic Research on Social Problems*, 4(2), 113-127. (In Persian)
- Farhi, E., & Werning, I. (2014). Bequest Taxation and r-g. *Manuscript, MIT*.
- Forsberg, E., & Olsson, L. (2016). Gender inequality and internal conflict. In *Oxford Research Encyclopedia of Politics*. 32(4), 25-42
- Gizelis, T.-I. (2011). A country of their own: Women and peacebuilding. *Conflict Management and Peace Science*, 28(5), 522-542.
- Gustavsson, M., & Jordahl, H. (2008). Inequality and trust in Sweden: Some inequalities are more harmful than others. *Journal of Public Economics*, 92(1-2), 348-365.
- Ha, J., Kose, M. A., & Ohnsorge, F. (2021). One-Stop Source: A Global Database of Inflation. Koç University-TUSIAD Economic Research Forum Working Paper 2107.
- Haqshenas, S. A., Azghandi, A. & Tavasoli Roknabadi, M. (2019). The role of poverty in the national security threats of the Islamic Republic of Iran Case Study: Kurdistan province. *The Islamic Revolution Approach*, 13(47), 153-170. (In Persian)
- Hudson, V. M., Caprioli, M., Ballif-Spanvill, B., McDermott, R., & Emmett, C. F. (2009). The heart of the matter: The security of women and the security of states. *International Security*, 33(3), 7-45.
- Dson, V. M., & Den Boer, A. (2002). A surplus of men, a deficit of peace: Security and sex ratios in Asia's largest states. *International Security*, 26(4), 5-38.
- Krieger, T., & Meierrieks, D. (2019). Income inequality, redistribution, and domestic terrorism. *World Development*, 116(4), 125-136.
- Korotayev, A., Bilyuga, S., & Shishkina, A. (2018). GDP per capita and protest activity: a quantitative reanalysis. *Cross-Cultural Research*, 52(4), 406-440.
- Lichbach, M. I. (1989). An evaluation of "does economic inequality breed political conflict?" studies. *World politics*, 41(4), 431-470.
- Olsson, L. (2009). *Gender equality and United Nations peace operations in Timor Leste* (Vol. 14): Brill.
- MacCulloch, R. (2004). The impact of income on the taste for revolt. *American Journal of Political Science*, 48, 830-848.
- Mehrabani, V. (2017). An application of blinder-oaxaca decomposition in explaining gender difference of earnings in Tehran. *Journal of Economic Research*, 52(3), 735-761. (In Persian)

- Miguel, E., Satyanath, S., & Sergenti, E. (2004). Economic shocks and civil conflict: An instrumental variables approach. *Journal of Political Economy*, 112, 725-753.
- Naghdi, Y., Kaghazian, S. & Lashkarizadeh, M. (2020). Comparing the effects of inflation and unemployment on social security in Iran. *Order & Security Research Journal*, 13(3), 1-26. (In Persian)
- Rabiei, M. (2022). The study of ict and income distribution effects on social unrest in Iran. *The Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, 22(1), 175-204. (In Persian)
- Raghfar, H., Sangari Mohazab, K. & Amini Abchoieh, M. (2022). Simulation of the impact of income distribution on social unrest using agent-based modeling approach. *Journal of Economic Research and Policies*, 30(101), 57-84. (In Persian)
- Sarkhosh Sara, A., Nasrollahi, Kh., Karim Azarbaiejani, K. & Bakhshi Dastjerdi, R. (2020). Analysis of the factors affecting income inequality in iran in the framework of Thomas Piketty's perspective: Structural VAR approach, *Economic Growth and Development Research*, 10(39), 29-54. (In Persian)
- Scheve, K., & Stasavage, D. (2017). Wealth inequality and democracy. *Annual Review of Political Science*, 25(20), 451-468.
- Sun, Y., Tian, W., Mehmood, U., Zhang, X., & Tariq, S. (2023). How do natural resources, urbanization, and institutional quality meet with ecological footprints in the presence of income inequality and human capital in the next eleven countries? *Resources Policy*, 85(2), 104007.
- Schmalor, A., & Heine, S. J. (2022). The construct of subjective economic inequality. *Social Psychological and Personality Science*, 13(1), 210-219.
- Ricci, M. L. A. (2021). *Understanding Chile's Social Unrest in an International Perspective*. International Monetary Fund.
- Van den Bergh, J. C. (2009). The GDP paradox. *Journal of Economic Psychology*, 30(2), 117-135.
- Weeds, E. (1981). Income Inequality, Average Income, and Domestic Violence. *The Journal of Conflict Resolution*, 25(4), 639-654.
- Weichselbaumer, D., & Winter- Ebmer, R. (2005). A meta- analysis of the international gender wage gap. *Journal of Economic Surveys*, 19(3), 479-511.
- Wilson, M., & Daly, M. (1997). Life expectancy, economic inequality, homicide, and reproductive timing in Chicago neighbourhoods. *BMJ (Clinical Research ed.)*, 314(7089), 1271-1274.
- Weede, E. (1981). Income inequality, average income, and domestic violence. *The Journal of Conflict Resolution*, 25, 639-654.